

منتخباتِ تواقیع و مکاتیب مولای حنون و شفق حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء که در این جزوه جمع آوری شده با استثنای چند توقیع منیع که بافتخار احبای شرق و ایران از کلک گهر بار آن منبع فیض عزّ و صدور یافته است، بقیه ترجمه از آثار مبارکه بسزبان انگلیزی است.

با توجه به فصاحت و بلاغت بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله که در آثار به لسان نوراء و فصیحی نیز کاملاً مشهود و معلوم است ترجمه و انتقال این آثار شمینه که از یراعه مقدس آن ولی امرنا زنین صادر شده است سهل و آسان نیست و شاید با زیارت این ترجمه ها فقط بتوان به مضامین بیانات مبارکه اطلاع حاصل نمود والا آن قدرت بیان و قوت تبیان و سیطره و غالبیت قلم معجز شیم را چگونه میتوان به لسان دیگری منتقل نمود و بهمان اندازه که زیارت آن در زبان انگلیزی پرحلاوت و لذتبخش است، در زبان فارسی نیز بهمان میزان شیرینی و لطافت بیانات مبارکه را ادراک کرد.

در هر حال محفل روحانی ملی بهائیان ایران با انتشار این منتخبات که در ترویج حیات بهائی و تعمیم اخلاق و روش ملکوتی و تأسیس و تکمیل فضا ئل انسانی تأثیر بسزا دارد، امیدوار است که عا ئله های بهائیی با توجه و دقت خاص حقایق مندرجه را مورد مطالعه عمیق قرار دهند و در زندگانی فردی و اجتماعی خویش بکار بندند و باین حقیقت مسلمه ایمان و اذعان داشته

باشند که هرگاه نصائح و مواعظ آن منجی عالم و محیی رمم را بنحوشایسته در حیات روزانه تحقق بخشند ابسواب راحت و آسایش وجدانی بر وجوهشان مفتوح خواهد شد و اثرات عمیقهُ تعالیم مبارکه را برای العین مشاهده خواهند نمود.

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان
ایران

بیت العدل اعظم آلہی

مرکز جهانی بهائی

۲۴ نوامبر ۱۹۷۲

خطاب بجمیع محافل روحانی ملی

یاران عزیز بهائی:

از محفل روحانی ملی انگلستان خواهش کرده ایم یک نسخه از مطالبی را که جمع‌آوری کرده‌اند تحت عنوان "نمونه حیات بهائی" با پست زمینی برای شما بفرستند و بضمیمه این مرقومه نیز منتخباتی از نامه‌ها و توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله را برای الحاق بآن ارسال میداریم.

مقصود از ایفاد این منتخبات برای شما اینست که بتوانید با نشر آنها به یاران کمک و مساعدت نمائید تا قادر شوند بطور کاملتر بمفهوم بهائی بودن واقف شوند و با هدایت و معاضدت شما حیات خود را با تعالیم و دستورات مبارکه تطبیق دهند.

شما مختارید این مرسولات را بهر نوع صلاح و مناسب برای احتیاجات جامعه خود بدانید مورد استفاده قرار دهید. مثلاً ممکن است نسخه‌های متعدد از جزوه "نمونه حیات بهائی" خریداری و از اوراق ضمیمه نیز نسخه‌هایی بوسیله چاپ یا استنسیل تهیه کرده مورد استفاده قرار دهید. یا اینکه ترجیح دهید از مجموع

آنها خودتان نشریه^۱ مخصوص تهیه نمائید. مطلب مهم اینست که توصیه‌های اخلاقی و روحانی موجوده در آثار مبارکه وسیعاً انتشار یابد و بطور شایسته تفهیم شود و احباً تشویق بمتابعت آن گردند.

حضرت ولی امرالله چنین فرموده‌اند:

"عالم انسانی با تحمل مصائب و ابتلائات باکمال سرعت بسوی سرنوشت خود پیش میرود. اگرما سهل انگاری کنیم و بوظیفه خود عمل ننمائیم شکی نیست از دیگران خواسته خواهد شد بفریادهای متضرعانه این دنیای مصیبت زده کمک و توجه نمایند نه با کثرت نفرات و نه با ارائه اصول و مبادی جدید و گرانقدر و نه از طریق یک جهاد تبلیغی هر قدر عالمگیر و جامع الاطراف و نه حتی با تمسک شدید و ظهور شوق و ذوق و شدت ایمان نمی‌توانید امیدوار باشیم که قادر خواهیم بود ادعای فخیم ظهور اعظم بهائی را در نظر مردمانی چنین شکاک و متعصب در عصری چنین مظلوم بثبوت برسانیم.

فقط و فقط یک موضوع میتواند بلا تردید و بتنهائی مظفریت بیچون و چرای این امر مقدس را تأمین کند و آن اینست که ببینیم حیات عادی و وضع و صفات و سجایای خصوصی ما تا چه درجه لمعان اصول جاودانی شریعت حضرت بهاءالله را در جلوه‌های گوناگون آن منعکس میسازد.

با تقدیم تحیات بهائی

بیت العدل اعظم

(ترجمه)

حیاتِ بهائی

"چه بسا از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر فردی از افراد احبّاء باجرای یک تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرّد و همت و استقامت قیام نماید و در تمام شئون حیات خویش این یک تعلیم را منظور نظر داشته بتمامها اجرا نماید عالم عالم دیگر شود و ساحت غبراء جنت ابهی گردد. ملاحظه نمائید که اگر احبّای الهی کلاً فرداً و مجتمعاً باجرای وصایا و نصایح قلم اعلیٰ قیام نمایند چه خواهد شد..."

(قسمتی از توقیع حضرت ولیّ امرالله مورخ ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۴۱ به افتخار احبّای اصفهان)

"ملاحظه فرمائید که در الواح مقدسه و کتب آلهیه و وصایای مبارکه احبای آلهی به چه حدی مأمور بپرهیزکاری و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ماسوی اللّه و تجرد از شئون دنیا و تخلق به اخلاق و صفات آلهیه هستند. باید بهر نحوی که ممکن است قبل از هر چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و آلا اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد. باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که رائقه منتنهاش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید. باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت آلهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل و بلکه ممتنع و محال. نمیدانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقیق این امر منوط بسعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایام است ...

"باید اولاً بسلوک و افعال و بعد از آن بدلائل و اقوال اثبات نمود که وعود آلهیه محتوم است و واقع و بشارات آلهیه ظاهر است و کامل. تا نفوس کاملاً بمیدان نیابند و شاهد هر انجمن نگردند اثبات این امر بدانایان امم بسیار مشکل و اگر مؤمنین و مؤمنات مظهر این کمالات شوند لزوم به بیان و اقناع نه. نفس اعمال دلیل است و نفس رفتار کافل حفظ و صیانت و شوکت امر اللّه."

(قسمتی از توفیق مبارک حضرت ولی امر اللّه ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ خطاب به احبای شرق)

"یاران برگزیده ایران باید نظر به پستی محیط خود و دنواخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی بامتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را باوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نمایح قلم اعلیٰ قرار دهند آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحل عدیده باقی مانده و طئی مسافات نکرده بسر منزل مقصود که تخلّق باخلاق و شیم آلهیه است هنوز وارد نگشته ایم.

(قسمتی از توفیق مبارک حضرت ولی امرالله مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ بافتخار محفل روحانی طهران)

"وظیفه و افتخار ما آنست که عشق و اخلاص خود را نسبت بامر محبوب بمرحله فعل و عمل درآوریم بطوریکه مؤدّی بخیر و صلاح نوع بشر بشود"

(ترجمه قسمتی از توفیق حضرت ولی امرالله مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۲۴ بافتخار یکی از احباء)

"هرگاه بیانات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء را با کمال خلوص و دقت مطالعه کنید و در آن تعمق نمائید بحقایقی پی خواهید برد که تا آنوقت بر شما مجهول بوده و بصیرت شما نسبت بمسائلی که متفکرین جهان را بحیرت و پریشانی مبتلا ساخته روشن خواهد شد."

(ترجمه قسمتی از توقیع حضرت ولی امرالله مورخ
۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ بافتخار یکی از اعیان)

"موضوع مهم اینست که 'بہائیات بہائی عمل کنیم'
یعنی زندگی ما چنان مشحون از تعالیم الہی و روح بہائی
باشد کہ مردم واضحاً در طرز رفتار و اعمال ما یک نشاط
و قدرت و عشق و خلوص و صفا و تأثیری ببینند کہ ما را
از مردم دنیا پرست ممتاز دارد و مردم بتعجب و تفکر
آیند کہ سّر این حیات جدید چیست؟ ما باید کاملاً
منقطع بودہ و تابع ارادہ الہی باشیم چنانکہ ہرروز و ہر
لحظہ تنها بآن چیز عمل کنیم کہ خدا از ما خواستہ است
و طبق ارادہ او عمل نمائیم. اگر ما صمیمانہ چنین کنیم
آنوقت اتحاد و اتفاق کامل میان ہمہ ما حکم فرما خواهد
بود. ہر جا وحدت و یگانگی نباشد روح حقیقی بہائی وجود
ندارد. مادام چنین تغییر حالت و قدرت جدید و محبت
و یگانگی متقابل در زندگی ما تحقق نیافتہ است تعالیم
بہائی برای ما جز اسمی بیش نیست."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیہ مورخ ۱۴ فورہ ۱۹۲۵ کہ
حساب الامر حضرت ولی امرالله بہ یکی از اعیان مرقوم
گردیدہ است)

"اگر ما بہائیان نتوانیم میان خودمان وحدت و
اتفاق صمیمانہ برقرار سازیم در اینصورت از تحقق مقصد
اصلی کہ حضرت باب و حضرت بہاء اللہ و حضرت مولی السوری
حیات خود را وقف آن کردہ و بخاطر آن تحمل مصائب
فرمودند محروم خواهیم ماند."

" برای حصول این وحدتِ صمیمانه یکی از لوازمِ اولیّه که از طرف حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء تأکید شده آنستکه از تمایل فطری بشری که همانا توجّه به معایب و نقائص دیگران است بپرهیزیم و بعیوب نفس خود مشغول شویم. هر یک از ما تنها مسئولِ حیاتِ نفسِ خویش است مسلماً هر یک از ما از رتبه کمال یعنی آن کمالی که مخصوص پدر آسمانی است بسیار بدور است و لذا وظیفه داریم که با تمام توجّه و قوّت اراده و منتهای قدرت حیات و سجایای خود را بطرف کمال رهنمون شویم اگر ما اجازه دهیم که تمام وقت و نیروی ما صرفاً برای نگهداری دیگران در راه راست و رفع عیوب آنان صرف شود باید بدانیم وقت گرانبهای خود را بیهوده تلف کرده ایم. ما مانند کسانی هستیم که زمین را شخم میزنند و هر یک از آنها با گروه خود باید سهم خود را در شخم زدن ادا کند و برای اینکه شیار او مستقیم پیش برود باید چشم خود را بمقصد دوخته و تمام حواسِ خویش را متوجّه کار خود سازد هرگاه متوجّه اطراف شود و بخواهد ببیند عمّر و زید چکار میکنند و از شخم زدن آنها ایراد بگیرد بدون شک شیار خود را کج و معوج خواهد شد.

" تعالیم بهائی در هیچ مورد باندازه لزوم اجتناب از عیب جوئی و غیبت مؤکّد و الزام آور نیست. ما باید با کمال جدیت در صد کشف و رفع عیوب خود برائیم و بر نقائص خود فائق آئیم.

"اگر ما بحضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری و ولی عزیز امرالله ایمان داریم پس باید عشق خود را با اطاعت نسبت باین تعالیم بطور قطعی و صریح ابراز داریم آنها از ما عمل میخواهند نه حرف و هر قدر بیان احساسات ایمانی و تعلق آمیز ما شدید و پرحرارت باشد بهیچوجه جبران تکاهل در زدودن نادرستی بر طبق روح تعالیم الهی را نخواهد کرد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۲ مه ۱۹۲۵ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"درباره اینکه آیا صلاح است بخاطر نجات کسی بغیر حقیقت سخنی گفته شود حضرت ولی امرالله عقیده دارند ما بهیچوجه نباید برخلاف حقیقت صحبتی بکنیم اما در عین حال باید سعی کنیم از راه موجه تری بآن شخص کمک نمائیم. البته ما نباید در ابراز مطلب پیشدستی کنیم مگر آنکه مستقیماً از ما خواسته شود"

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۲۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"نباید فراموش کنیم که از خصوصیات این دنیا زحمت و مشقت و مصائب است و تنها با غلبه بر آنهاست که ما میتوانیم رشد و نمو اخلاقی و روحانی یابیم. بفرموده حضرت عبدالبهاء غم و اندوه مانند شیار بر زمین است هرچه شیار عمیقتر باشد حاصل بیشتر است."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۵ نوامبر ۱۹۳۱ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"حضرت باب در بیان میفرماید:

هریک از ادیان گذشته استعداد آنها داشت که جنبه جهانی حاصل کند و تنها علت اینکه موفق باینکار نشد بی لیاقتی پیروان آن دیانت بود و سپس مؤکداً وعده میدهد که سرنوشت شریعت من یظهره الله چنین خواهد بود و البته سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تمام ساکنین جهان را شامل خواهد شد این مطلب ثابت میکند که ما عاقبت الامر موفق خواهیم شد ولی باید متوجه باشیم که بوسیله قصور و اهمال در فداکاری و عدم تمرکز قوا و مساعی خودمان در سبیل اشاعه امر الهی موجبات تأخیر این منظور اساسی را فراهم نسازیم. باین معنی که هرگاه تأخیری حاصل شود ما در مقابل خداوند مسؤل حالت سرگردانی و ضلالت نوع بشر خواهیم بود و جنگ و خونریزی برطرف نگردیده و مصائب عالم انسانی امتداد خواهد یافت." (ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۳۲ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا و کانادا مرقوم گردیده است)

"هر روزی را احتیاجاتی است در ایام اولیّه امرالله بشهدا و نفوسیکه تحمل همه گونه شکنجه و عذاب برای اعلان ایمان خود و اشاعه و ترویج پیام الهی کنند احتیاج داشت. حال آن زمان گذشته است و اکنون امرالله بشهدائی که در راه عقیده خود کشته شوند احتیاج ندارد ولی بخادمینی نیازمند است که بتبلیغ

پردازند و اساس امرالله را در سراسر عالم مستقر سازند.

"در حال حاضر زندگی کردن برای تبلیغ مانند شهادت در ایام اولیّه امر است. روحی که ما را بهیجان میآورد اهمیت دارد نه عملی که از آن روحناشی میشود و با آن روح ما باید با جان و دل با امر الهی خدمت کنیم".

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۳ اوت ۱۹۳۲ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده و در شماره ۶۸ اخبار امری آمریکا مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۳۲، صفحه ۳ منتشر شده است)

"حضرت ولی امرالله صمیمانه امیدوارند با این فداکاریها آن بنای عظیم تکمیل یافته و مرکز و محور اشاعه روح و تعالیم امرالله در آن اقلیم گردد تا نور هدایت از آن سطوع کرده و بقلوب بشر رنج دیده و افسرده سرور و امید بخشد.

"اگر بتاریخ نبیل مراجعه فرمائید خواهید دید چگونه شجر آئین الهی با فداکاریهای مستمر یاران سقایه شده است و امر حضرت بهاءالله علی رغم مشقات و مصائب و متاعبدائی در سراسر عالم مستقر گردیده است"

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۳۲ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده و در شماره ۷۷ اخبار امری آمریکا مورخ سپتامبر ۱۹۳۲، صفحه ۱ منتشر شده است)

"توصیه حضرت ولی امرالله دایر بر اینکسه وقت خود را بین خدمت به امرالله و مباشرت بسایرکارها تقسیم کنید همانست که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء بیساران توصیه فرموده اند. میان دوآیه از کتاب اقدس یکی دایر بر اینکسه هر فرد بهائی مکلف است به ترویج امرالله بپردازد و دیگری مشعر بر اینکسه هر نفسی باید بکاری که بنفع جامعه باشد اشتغال ورزد توافق و سازش وجود دارد. حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود میفرماید که الیوم عالیترین نوع انقطاع آنست که بحرفه ای اشتغال ورزند و مخارج خود را تأمین نمایند. بنابراین یک بهائی خوب کسی است که زندگی خود را طوری مرتب نماید که هم احتیاجات مادی خود را مرتفع سازد و هم بخدمت امرالله موفق شود"

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۳۳ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"لزومی به تذکار این مطلب نیست که حضرت ولی امرالله عمیقاً از تسلط عوامل منفی بر اجتماعات بهائی و مخصوصاً اجتماع مهمی مانند کانونشن متأسف هستند.

بیانات مکرر حضرت عبدالبهاء در باره وحدت و اشتراک مساعی میان یاران در این اوقات بیش از هر موقع دیگر باید منظور و ملحوظ گردد. هیچ چیز بسا روح امر ناسازگارتر از این نیست که اختلاف و ستیز که منبعث از خودخواهی و طمع ورزی است، حاصل شود. انقطاع صرف و خدمت صادقانه تنها نیروی فعاله هر

مؤمن حقیقی است و مادام که هر یک از یاران این صفات و سجایا را در زندگی عملی خود بکار نبندد امید به پیشرفت و ترقی بیشتر نمیتوان داشت امروز وحدت فکر و عمل از هر موقع دیگر لازمتر است. امروز روزی است که امرالله بمرحله جدیدی از رشد و توسعه خود وارد میشود و دستگاه اداری آن بتدریج در میان طغیان و هیجان مدنیت متشنج، تحکیم مییابد و یاران باید در مقابل قوای ناراضی و متفرق داخلی جبهه متحد و متشکل یک پارچهای بیارایند زیرا هرگاه چنین قوای مخرب از میان نرود مساعی ما را بطور اجتناب ناپذیر بنا بودی خواهد کشید".

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۳۳ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردیده است)

"حضرت ولی امرالله از این واقعیت نا مطلوب که نمایندگان بزرگترین مؤسسه اداری امرالله در کشور شما اجازه داده اند اختلافات و سوء تفاهات تا این حد افزایش یابد بسیار متأسفند مخصوصاً با توجه باینکه اصول و قوانین نظم اداری را جزء جزء و با کمال وضوح از زمان صعود حضرت مولی الوری ببعده بکرات و مؤکداً در طی توقیعات متعدد تشریح فرموده اند.

اینگونه مشکلات هرگاه فوراً و قویاً جلوگیری نشود ممکن است صدمات کلی بهیکل امرالله وارد سازد و نه فقط آنرا از جریان باز دارد بلکه بروح نباض آن در جهان لطمه زند. اگر بطور دقیق و بیغرضانه بسرچشمه جمیع این گرفتاریها و اختلافات تمعن شود

همواره احساس جاه‌طلبی و خودخواهی را منشاء آن خواهیم یافت و تا موقعیکه این احساسات زهرآگین بکلی از میان نرود امیدی برای جریان مؤثر و پیشرفت دستگاه اداری امرالله نخواهد بود.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۹ مه ۱۹۳۴ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی هند و برما مرقوم گردیده است)

"در حالیکه حضرت ولی امرالله تأکید میفرمایند با موانعی که در راه شما پیش آمده با کمال شجاعت مقابله و آنها را از میان بردارید در عین حال توصیه میفرمایند که در صورت عدم موفقیت در آن و با وجود هرگونه پیش‌آمد مسرور و راضی بوده و کاملاً متوکل بر مشیت الهی باشید. ابتلائات و امتحانات و افتتانات بعضی اوقات مواهب الهیه هستند که در خفا بما ارزانی گردیده و بما می آموزند که بیشتر بخداوند ایمان و اعتقاد داشته و باینوسیله با و تقرب جوئیم."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۳۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"مگر نه اینست که حضرت بهاء الله بما اطمینان داده‌اند که بلایا و محرومیتها مواهب خفیه هستند که بدانوسیله قوای درونی و روحانی ما تجهیز شده خالصتر و پرقدتر و ارزشمندتر میشود؟ بنابراین بکوش و مطمئن باش که متاع مادی موجب تعویق فعالیت‌های امری نشود بلکه باعث چنان انتعاش قلبی شود که بهتر بخدمت در پیشرفت مصالح امرالله بپردازی."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۳۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردیده است)

"کوشش فردی در حقیقت از شروط اساسی برای تشخیص و قبول امر الهی است .

هر قدر تأییدات الهیه شدید باشد اگر با مساعی مدبرانه و مداوم شخص توأم نگردد فاقد تأثیر لازم و قطعی بوده بطور حقیقی و پایدار مثمر نمیخواهد بود".
(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۳۸ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردیده است)

"بر مواضعی نظیر 'مرض و مشکلات خارجی' هر قدر در نظر اول شدید و غیر قابل جبران باشد میتوان و باید از طریق کوشش مداوم و ادعیه فائق گردید. مگر حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء کراراً بما اطمینان نداده اند که جنود غیبیه الهیه افرادی را که شجاعانه و با کمال اطمینان در سبیلشان میکوشند نصرت دهند و یاری نمایند. این اطمینان باید شمارا قادر سازد که بر هر احساس عدم لیاقت و کفایت در خدمت امر و بر هر نوع مشکلات ظاهری و باطنی و یا محدودیت که بیم تضعیف نیروی خدمت با مر در آن باشد فائق گردید. باید با قلبی طافح از مسرت و اطمینان قیام نمائید و سهم خود را بتمام قوا برای انتشار و توسعه بیشتر امر محبوب ایفا نمائید. هر میدان خدمتی که برای خود در نظر میگیرید خواه برای تبلیغ باشد و یا خدمت در تشکیلات اصل لازم و ضروری این است که از مجاهده در سبیلش باز نایستید و نگذارید توجه به کمبودهای

شخصی در علاقه^۱ شما بخدمت امر ادنی^۲ نقصانی پدید آورد چه رسد باینکه مانع از خدمت پرشور و مؤثر شما گردد..."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۶ فوریه ۱۹۳۹ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"هرقدر امتحانات و مشکلات زیاد باشد باید بر مراتب ایمان و توجه شما باین امر بیفزاید. زیرا بوسیله^۳ امتحانات و افتتانات مکرر خداوند بندگان خویش را آزمایش میکند بنابراین باید مشقّات و امتحانات را بمنزله^۴ برکت^۵ الهی دانست که باین صورت ظاهر میشود و بمثابه^۶ فرصتی شمرد که بوسیله آن میتوان آگاهی^۷ کاملتری درباره^۸ اراده و مقصد الهی بدست آورد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۳۹ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"بنظر هیكل مبارك دوره^۱ درسی که درباره اخلاق و صفات بهائی قرار است در آن شهر تدریس گردد بسیار مهم است و باید توجه شدید بآن مبذول گردد و بدقت کامل بخصوص توسط جوانانی که در این مدرسه شرکت دارند مورد مطالعه قرار گیرد. معیار اخلاق و رفتار بهائی که هیكل مبارك در آخرین اثر خویش کتاب ظهور عدل الهی^۲ بیان فرموده اند و وظیفه^۳ اساسی هر فرد مؤمن دقیق بهائی است که آنها را بکار بسته و ترویج نماید لازم است مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و محوراصلی برنامه^۴ امسال مدرسه^۵ تابستانه در امریکا باشد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۵ مه ۱۹۳۹ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به لجنه مدرسه تاستانی لوهلن مرقوم گردیده است)

"شما از شرایط نامطلوبی که در جامعه بهائی در آن نقطه وجود دارد شکایت کرده اید هیکل مبارک از وضع امر در آن منطقه بخوبی آگاهند ولی مطمئنند که موانعی که امر با آن روبروست از هر نوعی که میخواهد باشد بالاخره مرتفع خواهد شد. شما تحت هیچ شرایطی نباید مایوس شده و بخود اجازه دهید اشکالاتی که ممکن است در اثر سوء رفتار و یا عدم کفایت و بصیرت بعضی از افراد جامعه بوجود آمده است شما را از تعلق با امر و وفاداری نسبت بآن باز دارد. مطمئناً افراد مؤمنین را هر قدر لایق باشند خواه مبلغ و خواه عضو تشکیلات و هر قدر سجایای فکری و روحانی آنها رفیع باشد نباید بعنوان نمونه‌ای که براساس آن قدرت و عظمت امر الهی سنجیده میشود، در نظر گرفت. افراد احباء باید بتعالیم الهیه و حیات مؤسین این امر اعظم برای هدایت و الهام ناظر باشند. فقط بوسیله توجه تام و واقعی باین طرز فکر است که میتوانند امیدوار باشند وفاداری خود را نسبت بحضرت بهاء الله بر پایه‌های مستحکم و استوار بنا می‌سازند. شما باید با قدرت و هوشیاری کامل و مجاهدت خستگی ناپذیر سهم خود را در توسعه تدریجی نظام الهی بهائی ایفا نمائید."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۳ اوت ۱۹۳۹ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از احباء مرقوم گردیده است)

" این ایام در واقع ایامی است که در آن شجاعت و شهامت مؤمنین مورد نیاز است. فداکاری شخصی، امید و اطمینان خلل ناپذیر از سجایائی است که مؤمنین باید بدان متصف باشند زیرا این صفات باعث خواهد شد که توجه جامعه را بخود معطوف سازد و عموم مردم را برآن میدارد که در صدد تفحص برآیند که آیا در جهانی که تا این حد نومید و دچار هرج و مرج و گمراهی است چه چیز احباء را اینگونه فداکار - مطمئن و باتیه معتقدوا میدوار میسازد.

هر قدر زمان بگذرد صفات معیزه بهائیی مردم را بیشتر جلب خواهد کرد. احباء باید بیزاری خود را از تنفر و تعصب که هادم بنیان جامعه بشری است نشان دهند و با قول و عمل، اعتماد خود را بر اتحاد توأم با صلح بین تمام نژادهای بشری نمودار سازند.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۱ کسه حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از احباء مرقوم گردیده است)

" ما باید نظر خود را باتیه معطوف سازیم و سعی کنیم که آنچه در گذشته انجام نداده ایم اجرا نمائیم. اگر بفکری صحیح بعدم توفیق و امتحانات و بلائی که پیش میآید بنگریم میتوانیم آنها را بمنزله عواملی برای تصفیه روح و استحکام سجایای روحانی و بمثابه وسیلهای برای ترقی و تعالی خود در خدمت امر بشمار آوریم."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۱ کسه حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از احباء مرقوم گردیده است)

"درباره نکاتی که در نامه خود بآن اشاره نموده بودید فرمودند: کشتن نفس متضمّن تکامل معنوی است که بشر هرگز قادر نخواهد بود بطور کامل بآن دست یابد اما حبّ نفس و خودپسندی میتواند و بایسد بطور دائم التّزاید تحت الشّاع روح عالی انسانی قرار گیرد و این مفهوم واقعی ترقّی روح است"

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۴۱ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"درباره استیناف خواهی بهترین طریقه بنظرهیکل مبارک آن است که از هر دو طرف دعوی خواسته شود عفو و اغماض نمایند. هیکل مبارک میل ندارند یاران رسم و عادت طرح مرافعات بهائی را علیه یکدیگر معمول کنند. وظایفی که آنها در قبال جامعه بشری بر عهده دارند در این ایام که امر برای انتشار و استقلال خود مشغول جهاد روحانی است آنقدر مقدّس و ضروری است که یاران باید تمام اوقات گرانبهای خود و هیکل مبارک را مصروف بآن نمایند بنابراین از آنها بخواهید که با یکدیگر متحد شده گذشته را فراموش کنند و با مر مبارک بنحو بیسابقه و بروحی جدید خدمت نمایند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه ۲۶ دسامبر ۱۹۴۱ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی مجلسی استرالیا و نیوزیلند مرقوم گردیده است)

"فی الحقیقه یاران هنوز نیاموخته اند که از محبتی که بیکدیگر دارند برای تقویت و تسلی خاطر در

هنگام احتیاج چگونه استفاده کنند. امرآلهی دارای قدرت عظیمی است و علت اینکه یاران بیش از این از آن استفاده نمیکنند این است که هنوز نمیدانند چگونه از این نیروی عظیم محبت، قدرت و اتفاق و هم آهنگی که این امر اعظم ایجاد کرده است بهره ببرند. توصیه هیکل مبارک بشما این است که خانم مشارالیه را در زمان حاضر بخود واگذارید و برای او دعا کنید. چون او فعلاً از شما کمکی نمیخواهد فقط شما میتوانید از این طریق روحانی با او کمک کنید. شما خدمات پرارزشی برای امر انجام داده اید و هنوز هم باین عمل مشغولید و این باید بزرگترین تسلی خاطر برای شما باشد.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۸ مه ۱۹۴۲ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیاء مرقوم گردیده است)

"یاران در مورد یکدیگر باید صبر و شکیبائی را پیشه سازند و باین نکته توجه نمایند که امر هنوز در مرحله طفولیت است و مؤسسات و تشکیلات آن در انجام وظایف کمال مطلوب را بدست نیاورده هرچه صبر و شکیبائی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت بیکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد ترقی جامعه بهائی بطور کلی افزونتر خواهد گشت."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۴۳ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیاء مرقوم گردیده است)

"ما باید نقائص خود را تشخیص داده و اجازه ندهیم بعلت امور نامطلوبی که گاهی از اوقات درانجمن

شور ملی و یا محفل روحانی ملی رخ میدهد ملول و ناراحت شویم. اثر این امور سطحی است و بالاخره درطول زمان رفع خواهد شد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۷ مارس ۱۹۴۳ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از احباء مرقوم گردیده است)

"همه ما قادر نیستیم که بطور یکسان با مرخدمت کنیم تنها طریقی که یک فرد بهائی میتواند با انتشار امر کمک نماید عمل بموجب تعالیم است که قلب مردم را خیلی بیشتر از قول بهیجان میآورد. محبتی که مانسبت بدیگران ابراز میداریم رفق و مدارا و تفاهم و علاقه در کمک بسایرین بهترین راه تبلیغ امرآلهی است وقتی که آنها این آثار را در زندگی ما ببینند بشوق خواهند آمد که درباره امر نیز تفحص نمایند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از احباء مرقوم گردیده است)

"هیكل مبارك از اینکۀ عدۀ زیادی در انجمن شور ملی شرکت نموده و یاران در کمال شور و شوق و اتحاد بوده اند بسیار راضی و خوشنودند. یکی از ضروریات برای جامعۀ امر این است که یاران باید با هم متحد شوند و درک نمایند که همه بمنزله یک خانواده روحانی هستند و با علائقی بهم مربوطند که بمراتب از علائق ظاهری خانوادگی مقدّستر و پایدارتر است. اگر یاران به تمام قوا اختلافات شخصی خود را فراموش کنند و قلب

خود را بخاطر حضرت بهاء الله بسوی محبت عمیقی گسه
بیکدیگر دارند مفتوح سازند ملاحظه خواهند کرد که بر
قدرت آنها بنحو وسیعی افزوده شده است و آنها قادر
خواهند بود که قلوب عامه مردم را تسخیر نمایند و
ناظر پیشرفت سریع امر الهی در آن مدینه نیز خواهند
بود. محفل روحانی ملی باید آنچه در قوه دارد برای
ایجاد اتحاد واقعی بین یاران بکار برد و آنان را
بامول تشکیلات واقف سازد زیرا این مجرائی است که
بوسیله آن زندگی اجتماعی یاران جریان خواهد یافت.
و اگر بخوبی درک شود و بعرضه عمل در آید سبب خواهد
شد که امور امریه بمیزان وسیعی توسعه یابد.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۳ که حسب الامر
حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی بهائیان هندوبرمه
مرقوم گردیده است)

"مآلاً تمام نبردهای زندگی در درون نفس انجام
میگیرد. تشکیلات هر قدر وسیع باشد قادر نخواهد بود
که مشکلات انفرادی نفوس را حل کرده به پیروزی او
کمک نموده و یا از شکست او در مواقع حساس جلوگیری
نماید. در چنین اوقاتی افراد بطور عموم تحت تأثیر
قوای عظیمی که در این عالم وجود دارد خرد میشوند و
می بینیم بعضی از افراد ضعیف بطور ناگهانی و معجزه
آسایی قوی میشوند و افراد قوی منکوب میگردند. فقط
میتوانیم با نصایح مشفقانه بنحویکه لجنه شما اقدام نموده
است سعی نمائیم در بین یاران آنچه را که بیشتر بحال آنها مفید

است تقویت نمائیم زیرا چیزی که بزیان امر باشد نمیتواند
برای یک فرد بهائی منشاء خیر گردد.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ که حسب الامر
حضرت ولی امرالله بیکی از احاباء مرقوم گردیده است)

"آنچه که امروز دنیا بآن احتیاج دارد روح
بهائی است. مردم تشنهٔ محبت و خواهان اصول عالیهای
هستند که بآن تمسک جویند و مشکلات عظیم خود را رفع
نمایند. احباء باید بهرکسی که برخورد میکنند روح
نباض و پرمحبت امر را القاء نمایند و اگر این خلعت
با تبلیغ توأم گردد محققاً افراد صمیمی و متحرّیان
حقیقت را با مر جلب خواهد نمود."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۳ که حسب الامر
حضرت ولی امرالله بیکی از احاباء مرقوم گردیده است)

"و اما سؤال شما درباره احتیاج مبرم به وحدت
بیشتر در بین یاران، شکی نیست که این مسئله صحیح
است و حضرت ولی امرالله عقیده دارند که یکی از وسائل
مهمه برای توسعه امرالهی این است که افراد احباء را در
کلاسهای درس و طی متحدالمالهای مختلف باین موضوع آشنا
سازیم که حبّالهی و محبت بشر که بر اثر آن ایجاد
میشود پایه و اساس هر دیانت و از جمله این آئین است
هرچه درجهٔ محبت بالاتر باشد اتحاد بیشتری ایجاد
میشود زیرا این محبت سبب میشود که مردم یکدیگر را
تحمل کنند و صبور و بخشنده باشند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۴۴ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از احباء مرقوم گردیده و در شماره ۱۷۳ اخبار امری آمریکا مورخ فوریه ۱۹۴۵ منتشر شده است)

"هیكل مبارك رجا دارند كه شما در احباء صفات بهائی و ایمان با ما را ترویج نمائید هدف غائی حضرت بهاء الله آن است كه افراد جدیدی خلق شوند. یعنی مردمی نیکوکار، مهربان، باهوش و صدیق و شریف كه بر مبنای احكام و موازین این امر اعظم كه در این مرحله جدید از تكامل عالم انسانی ظاهر شده عمل نمایند. خود را بهائی نامیدن كافی نیست بلکه باید در تمام وجود ما آثار حیات بهائی نمودار باشد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۴ كه حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از نوجوانان شركت كننده در مدرسه تابستانه لوهلن مرقوم گردیده است)

"در اثر افراط در تعلق یاران با ما و عدم بلوغ فکری سوء تفاهماتی ایجاد میشود. بنا براین باید در برخورد با یکدیگر صبر و محبت را پیشه سازیم و سعی نمائیم كه وحدت را در خانواده بهائی حفظ نمائیم. اختلاف ما بین آن دو نفر كه در نامه خود ذكر کرده اید نه بعلت دشمنی با ما و یا عدم صمیمیت است بلکه علتش همان است كه در فوق ذكر شد. حضرت ولی امرالله تأکید مینمایند كه نهایت سعی را مبذول دارید كه محبت و وفاق بیشتری بین یاران ایجاد شود و در عین حال در تبلیغ امرش نیز كوشا باشید."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۴۴ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"هیكل مبارك از استماع و اطلاع این خبر که گرین ایگر امسال از محبت و وفاق سرشار بوده و سبب تسجیل عده‌ای جدید در امر شده است مسرورند این محبت بسین یاران بمنزله مغناطیس تایید است که بالاتر از هر امر دیگر قلوب را جلب کرده افراد جدیدی را در ظل امرالله در خواهد آورد، زیرا تعالیم ولو هر قدر عظیم باشد نمیتواند دنیا را تغییر دهد مگر اینکه روح محبت حضرت بهاءالله همچون آئینه‌ای شفاف تعالیم مبارکه را در جوامع بهائی منعکس سازد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۴۴ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"فی الحقیقه اگر یاران صادقانه بکوشند و صد درصد بهائی شوند خواهند دید که چگونه میتوانند تأثیر و نفوذ خود را در دیگران بنحو بارزی افزایش دهند و بر سرعت انتشار امر بیفزایند آنچه دنیا در جستجو و محتاج بآن است سازش با وضع حاضر نیست بلکه نیل با اهداف رفیع درخشان است هر چه یاران در شئون مختلفه زندگی خود بیشتر بر اساس تعالیم الهی رفتار نمایند خواه در منزل یا در محل کار و یا در مناسبات فیما بین، بیشتر میتوانند نیروی جاذبه خود را برای جلب قلوب دیگران بکار ببرند. "هیكل مبارك مسرورند که شما بطور طبیعی و بدون تظاهر با ایمان کامل و حسن نیت تمام با همه افراد

سیاه پوست معاشرت نموده آنانرا تبلیغ مینمائید. وقتی یاران براساس تعالیم امر زندگی کنند اگرچه ممکن است مخالفت عده‌ای را برانگیزند ولی موجبات تحسین و اعجاب افراد منصف و بی تعصب را که تعدادشان بیشتر است فراهم خواهند نمود.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردیده است)

"فی الحقیقه وقتی انسان بظلمات روزافزون جهان کنونی مینگرد بنحو کامل درمی یابد که اگر پیام حضرت بهاءالله بقلوب انسانها نرسد و آنها را منقلب نسازد صلح و صفا و تعالی روحانی از چهره جهان رخت برخواهد بست. امیدهمیشگی هیکل اطهر آنست که رفتار مؤمنین فرداً فرد و نیز در حیات جامعه بهائی چنان باشد که توجه دیگران را با مرآه‌ی جلیب نماید. جهان نه تنها تشنه عقاید و اصول رفیع است بلکه بیش از همه محتاج سرمشق درخشانی است که بهائیان میتوانند و میبایست ارائه دهند آن باشند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه ۲۲ فوریه ۱۹۴۵ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردیده است)

"در همه جای دنیا چه خارج و چه داخل جامعه امر احساس میشود که باید یک آگاهی کامل روحانی و معنوی در زندگی مردم پیدا شود و آنها را بتحرک در آورد.

تشریفات اداری و پیروی از مقررات نمیتواند کاملاً جانشین این خاصیت روانی و این روحانیتی شود که حقیقت انسان بشمار میرود. حضرت ولی امرالله از اینکه این نکته مورد تأیید شما است و کمک میکنید که یاران هم باهمیت وافر آن پی برند خوشحالند.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ که حساب الامر حضرت ولی امرالله یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"و اما راجع بموضوع مذکور و عدم هماهنگی که در میان بعضی از یاران آن سامان بچشم میخورد متذکر میگردد که وقتی بهائیان اجازه میدهند که نیروهای مظلّم جهان خارج حاکم بر روابط آنان در داخل جامعه امر باشد در واقع جریان تعالی خود را شدیداً بمخاطره می افکنند اعظم وظیفه مؤمنین و محافل روحانیه محلی و بخصوص محفل روحانی ملی ایجاد اتفاق و تفاهم و محبت در میان یاران است... همه بایستی آماده و حاضر باشند که دعاوی شخصی خود را چه موجه و چه غیرموجه بخیر و صلاح امر الهی نادیده گیرند زیرا مردم هرگز امر عزیز الهی را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه امر درست همان چیزی را بیابند که جهان امروز فاقد و عاری از آن است یعنی محبت و یگانگی."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۳ مه ۱۹۴۵ که حساب الامر حضرت ولی امرالله یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"مهمترین موضوع آنست که محبت و یگانگی

بایستی حاکم بر جامعه بهائی باشد و این درست همان چیزی است که همه مردم در جهان مظلوم امروز در جستجوی آنند. حرف بدون عمل هیچگاه قادر نخواهد بود که روح امید را بقلوب این نسل نوמיד و بدبین بدمد.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۵ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"چون شما برای حلّ مشکل خود به حضرت ولیّ امرالله رجوع کرده‌اید ایشان صراحتاً عقیده خود را در این مورد ابراز میدارند.

"حضرت ولیّ امرالله احساس میکنند که عدم هم‌آهنگی که در میان شما و شخص مذکور موجود است به پیشرفت امر الهی لطمه بزرگی میزند و جز تشّت و برودت آتش شوق مؤمنین جدید هیچ حاصلی نخواهد داشت.

"شما و ایشان باید دعاوی شخصی را به سوئی نهید و بمنظور حراست امر الهی که حضرت ولیّ امرالله بخوبی میدانند شما همه صمیمانه دوستدار آن هستید و حاضر به فداکاری در راه آن میباشید، متفق شوید. شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهائی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با بهائیان دیگر است. ولی بخاطر حضرت مولی الوری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان درشتی که ادا کرده‌اند معذرت بخواهند. ببخشند و فراموش کنند. حضرت ولیّ امرالله در این مورد تاکید فراوان دارند.

"همچنین ایشان عقیده دارند که شما و نامبرده نبایستی از احتفالات و ضیافات در آن مدینه بدورمانید امروز شما گروه پرشوری از جوانان بهائی در پورت ادلاید فراهم آورده‌اید و بر شماست که شمه‌ای از نظام تشکیلات بهائی و اتحادی را که میتوانید و باید حاکم بر جامعه اسم اعظم باشد به آنها بنمائید."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۵ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"شما درباره عدم هضم مفاهیم روحانی سؤال کرده‌اید بهائیان باید سعی کنند که روحاً و فکراً من جمیع الجهات جامع و طبیعی و متعادل باشند. ما نباید طوری رفتار کنیم که دیگران ما را متعصب انگارند ولی در عین حال نبایستی از اصول و موازین دیانت خود سرپیچی و تمرد نمائیم."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۲ مارس ۱۹۴۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"مطمئن باشید که حضرت ولی امرالله برای اتحاد و وفاق بین مؤمنین آن مدینه دعا خواهند فرمود زیرا این موضوع حائز اهمیت شایان است و پیشرفت و ترقی امر الهی و موفقیت هرکوشش تبلیغی بآن مربوط میشود. "آنچه یاران الهی در هر جا بآن احتیاج دارند عشق و علاقه بیشتر نسبت بیکدیگر است و این امر از طریق عشق بیشتر نسبت بحضرت بهاءالله محقق میگردد."

زیرا اگر ما حضرت بهاء الله را آنقدر که میبایست دوست داشته باشیم با غراض و دعاوی شخصی خود اجازه نخواهیم داد که مانع پیشرفت امر افخمش گردد در آن صورت آماده خواهیم بود که جان خود را فدای یکدیگر سازیم تا آئین الهی پیشرفت کند و چنانکه حضرت عبدالبهاء فرمودند مانند روحی در ابدان متعدد گردد. (ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۴۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"حضرت ولی امرالله در این موضوع با شما هم عقیده اند که اگر ما بدستورات امر عامل نباشیم توقع پیشرفت آنرا هم نباید داشته باشیم زیرا مقصد و مراد اصلی همه ادیان منجمله دیانت حضرت بهاء الله تقرب انسان بدرگاه خداوند و دگرگون کردن صفات انسانست که دارای اهمیت بسیار است.

معمولاً در مورد جنبه های اجتماعی و اقتصادی تعالیم حضرت بهاء الله تأکید فراوان میشود، ولی اهمیت جنبه اخلاقی در دیانت حضرت بهاء الله چنان آشکار و مبرهن است که تأکیدی بیشتر ممکن نیست.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۴۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"حضرت ولی امرالله از اینکه شما دوره ای تحت عنوان اخلاق و صفات بهائی دائر کرده اید بسیار مسرور

شدند زیرا ایشان معتقدند که یکی از بزرگترین فرائض نسلی از بهائیان که شما بآن تعلق دارید عمل کردن با اصول و مبادی دیانت بهائی است. شما میبایست با نشان دادن تربیت عالی اخلاقی، تواضع، شخصیت و نجابت خود این موضوع را اثبات کنید که دیانت بهائی حرف نیست بلکه بواقع مقلب قلوب و رفتار پیروان خویش است.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بدوره نوجوانان مدرسه لوهلن ایالات متحده آمریکا مرقوم گردیده است)

"حضرت ولی امرالله عقیده دارند که جوانان بهائی مخصوصاً بایستی همیشه کوشا باشند که سرمشق و نمونه حیات بهائی باشند. جهان اطراف ما را فساد اخلاق، اغتشاش و عدم عفت، وهرزگی و بدرفتاری پر کرده است جوانان بهائی میبایست دشمن این مفاسد باشند و با پاکی و پاکدامنی، صداقت، نجابت، تحمل و رفتار نیک خویش دیگرانرا از پیر و جوان به امر الهی جلب نمایند. جهان از حرف خسته شده و تشنه عمل است و جوانان بهائی باید جوابگوی این انتظار باشند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بجوانان حاضر در مدرسه تابستانه گرین ایگر مرقوم گردیده است)

"پاران آلهی بایست در تمام موارد این موضوع را بگوش هوش بسپارند که آنان در واقع چون سربازانسی هستند که معرض حمله و هجوم دشمنانند. جهان امروز در ظلمت روحانی روزافزون بسر میبرد.

نفرتها و تعصبات گوناگون عنقریب جهان را نابود خواهد ساخت، از سوی دیگر ما پاسداران نیروهسای مخالف نفرت و تعصب یعنی محبت و اتحاد و صلح و یگانگی هستیم و بایستی همواره آماده و بیدار باشیم مبادا فرداً و یا جمعاً وسیله انتقال این نیروهای مخرب و منفی بداخل جامعه خویش گردیم. عبارت دیگر بایستی هوشیار باشیم تا مبادا تباهی جامعه خارج بلا را در رفتار و نظرات ما منعکس و مؤثر گردد.

محبت بیکدیگر و احساس این که ما ترکیبی جدید، مطلع انوار درافقی جدید و حارسان نظام جدید جهانی هستیم باید حیات بهائی ما را مداوماً شاداب سازد باید همیشه دعا کنیم که از آلودگی جامعه ای که هر روز مبتلای تعصبات جدید میشود برکنار و مصون بمانیم"

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۵ فوریه ۱۹۴۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی محلی بهائیان آتلانتا جورجیا مرقوم گردیده و در شماره ۲۱۵ اخبار امری آمریکا مورخ اوت ۱۹۴۸ صفحه ۲ منتشر شده است)

"امر الهی در آن دیار بطور روزافزون درگسترش است و هرچه بیشتر توسعه یابد توجه مردم بیشتر بآن جلب خواهد شد و لذا مسوولیت بیشتری متوجه مؤمنین خواهد گردید، زیرا ایشان میبایستی چنان تمایلی بمرحبت و یگانگی در میان خویش نشان دهند که قلوب دیگران را جذب کنند و آنها را به پیوستن گروه گروه به امر الهی تشویق نمایند. ما همواره بایست بخاطر داشته باشیم که تعالیم الهی در این دور اعظم کامل است و تنها علتی که تعداد بیشتری از هموعان ما به امر الهی رو نمیکنند آنست که ما که ادعای بهائی بودن داریم برآستی آئینه تمام نمای تعالیم حضرت بهاء الله نیستیم. ما بایستی بطور مداوم بکوشیم که نمونه شاخص تعالیم حضرتش باشیم."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۴۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"ما بهائیان باید افکار خود را حصر در تحسین رفتار و تهذیب اخلاق و تکمیل شخصیت روحانی خود نمائیم و در راه پیشرفت و تحقق نظام جهانی حضرت بهاء الله که هنوز در مرحله جنینی است و بدرستی درک نشده است، گام برداریم و پیام حضرت بهاء الله را آنچنان که در نقشه ملکوتی پیش بینی شده است منتشر سازیم و بایجاد جامعه جهانی و متشکل بهائی مشغول شویم ما تعدادی قلیل هستیم ولکن وظیفه ای خطیر و منحصر بفرد و حتمی در پیش داریم که میبایستی جمیع قوای خود را در طریق تحقق آن بکار بندیم."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۹ مه ۱۹۴۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا و کانادا مرقوم گردیده است)

"فرد بهائی بعنوان سنگ زیر بنای جامعه امر آلهی در جبهه داخلی هر منطقه مسوول قطعی و نهائی تجدید حیات و توسعه و تحکیم فعالیت های آن است هرچه این کوشش مستمر و یومیّه فردی در جبهه داخلی برای وصول به قیل رفیعۀ انقطاع و از خودگذشتگی وسیع تر باشد و از طریق مهاجرت های داخلی بتعدد و ازدیاد نقاط و جمعیتها و محافل متفرق و دوردست بهائی بیشتر کمک کند و با کوشش مداوم و پرمشقت و جلب نفوس مستعدۀ باین امر فخیم مقدس که مورد اعتقاد قلبی اوست بر تعداد پیروان مصمم و فعال امرآلهی بیفزاید نتیجتاً اقدامات وسیع و متعددی که در آنسوی مرزها دنبال میشود و برای موفقیت آنها امروزه بیش از هر وقت دیگر به نفوس مخلصه و وسائل ضروریه احتیاج است زودتر بانجام خواهد رسید..."

(ترجمه قسمتی از توقیع حضرت ولی امرالله مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۷ بافتخار محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا و کانادا)

"در خصوص سوآلی که کرده اید در آثار بهائی در حقیقت نفس دارای دو مفهوم است و یا در دو مفهوم بکار میرود. یکی نفس بعنوان هویت شخص انسانی آنگونه که خداوند او را آفریده است این حقیقت در عباراتی نظیر (من عرف نفسه فقد عرف ربه) استعمال گردیده است.

"نفس دیگر نفس آماره است و آن میراث مظلّم و حیوانی است که همه ما آنرا داریم. و همان طبیعت دون بشری است که میتواند بدیو موخس خودپرستی، خشونت، شهوت و غیره تبدیل گردد. این نفس آماره است که میبایست علیه آن پیکار کنیم و این جنبه منفی طبیعت ما است که باید با تمام قوا بکوشیم تا آنرا آزاد سازیم و در راه وصول بکمال یاری کنیم، یا اینکه لاقل جنبه بهیمی و آمال و آروزهای ناشی از آنرا تابع جنبه های عالی و ملکوتی شخصیت خود قرار دهیم.

"مآلاً گذشت و فداکاری در عالیتین مفهوم خود آنست که اراده و هستی خویش را در اختیار پروردگار مان قرار دهیم تا هرچه اراده اوست مجری دارد. در این مقام او نفس حقیقی ما را تطهیر میکند و جلا میدهد تا بحقیقتی درخشنده و متعالی مبدل گردد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"فی الواقع خصلت از خودگذشتگی و فداکاری در خدمت امرالهی مطلوب و مأجور است نه وسائل یسار لیاقت ها و یا ثروت."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۱ مه ۱۹۴۸ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی استرالیا و زلاند جدید مرقوم گردیده است)

"ما نباید اهمیت چندانى به روش و احساسات دیگران نسبت بخود بدهیم مهمترین امر ترویج عشق و علاقه و ناچیز انگاشتن خرده گیریهاست. باین ترتیب بضعف طبیعت انسانی و نظرات خاص و روش هیچ فرد بخصوص اهمیت فوق العاده داده نخواهد شد بلکه برعکس این نقائص در پرتو خدماتی که متحدانه در طریق امر محبوب خود صرف میکنیم محو و زائل خواهد شد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۸ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"غالباً اشکالی که در انجام بعضی امور داریم بواسطه آنست که این امور نوعاً با آنچه که ما با آن خو گرفته ایم فرق میکند و الا هیچ کاری فی نفسه صعوبت و دشواری خاصی ندارد. برای شما و بسیاری از اعیان که امروز بعنوان اشخاص بالغ این امر اعظم را پذیرفته اند درک و انجام بسیاری از احکام نظیر نماز و روزه ممکن است در وهله اول مشکل باشد ولی ما همیشه باید بخاطر بسیاری که این دستورات برای تمامی نوع بشر در طی هزار سال آینده وضع شده است. برای اطفال بهائی که از ابتدا در خانه با این امور آشنائی و انس پیدا میکنند انجام این فرائض نیز چون رفتن بکلیسا برای مسیحیان معتقد امری کاملاً عادی و ضروری خواهد بود.

اگر این دستورات برای ما سودمند نبود حضرت بهاءالله چنین نمیفرمودند و ما همچون طفلان زیرک و فهیم که بمراتب تدبیر و درایت پدر معتقدند و ایمان

دارند و میدانند که او جز در طریق صلاح آنان گام بر سر
نمیدارد باید انجام این دستورات را بپذیریم حتی اگر
در بدو امر ضرورت آنرا تشخیص ندهیم وقتی باین دستور
عمل کردیم کم کم نتایج حاصل از آن را در وجود خویش
ملاحظه خواهیم کرد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۶ مارس ۱۹۴۹ که حسب الامر
حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"... ما وقتی از این وقایع ناگوار رنج میبریم
نباید فراموش کنیم که انبیای الهی نیز از این امور
که افراد عادی را می آزارد مصون و محفوظ نبودند.
آنها نیز غم و بیماری و درد را میشناختند ولی بسا
تعالی روح خویش از دسترس این آفات و بلاها بدور میماندند.
ما نیز در هنگام ابتلای باین بلاها باید بهمین ترتیب
عمل کنیم رنجهای این جهان گذران است و آنچه باقی
میماند چیزی است که از روح خود ساخته و پرداخته ایم.
پس هدف و برنامه ما باید این باشد که روحانی تر شویم
و بخدا قرب بیشتری پیدا کنیم. صرف نظر از اینکه فکر
و جسم ما متحمل چه مصائب و متاعبی گردد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۵ اوت ۱۹۴۹ که حسب الامر
حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده و در شماره
۲۳۱ اخبار امری آمریکا مورخ مه ۱۹۵۰ صفحه ۱ منتشر
شده است)

"حضرت ولی امرالله از استماع آنچه نوشته بودید بسیار متأسف شدند. این نشانه عدم بلوغ روحانی بعضی از احباء و فقدان شگفت‌آور تفاهم و عدم مطالعه و تعمق در تعالیم امر الهی است. عمل بر طبق دستورات اخلاقی حضرت بهاءالله بسیار مشکلتر از انجام اصولی است که انجمن تسلیح اخلاقی با تمام شمول و گسترشی که در این اصول وجود دارد سعی در ترویج آن میکند.

"آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مشحون از مواظب و نصائح لاتحصى در زمینه رفتار اخلاقی و مشی روحانی است بقیه شکل ظاهر و قالب است یعنی جامی است که در آن باده صافی روح ریخته میشود.

"بدون روح و اعمال قلبیه که ناشی از آن است جسد مرده است کالبد فاقد روح بی اثر و ثمر است استنتاج حضرت ولی امرالله از آنچه اظهار گردید اینست که کلیه یاران یا لاقلاً جمع کثیری از آنان در آغاز آنطور که میبایست تعلیم امری نیافته‌اند.

"بدون شک هیچ مانعی در راه تأیید اصول چهارگانه انجمن تسلیح اخلاقی وجود ندارد. اگرچه هر یک از تعالیم بی بدیل امر الهی در این موارد جامعیت کامل داشته و بیشتر بعمق مسائل و تفصیل حقایق آنها میپردازد.

"بدون روح عشق و محبت حقیقی نسبت به حضرت بهاءالله و شریعت سمحه الهی و مؤسسات آن و نیز عشق و محبت افراد بهائی نسبت بیکدیگر، امرالله درحقیقت هرگز قادر نخواهد بود که افراد کثیری را در ظلّ

لوای خود وارد سازد، زیرا آنچه دنیا طالب آنست موعظه و وضع قانون نیست بلکه محبت و عمل است." (ترجمه قسمتی از ابلاغیه‌های مورخ ۳۰ سپتامبر و ۲۵ اکتبر ۱۹۴۹ که حسب الامر حضرت ولی امر الله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"معهدا هیکل مبارک قویاً احساس میکنند که اگر وضع آن مدینه بدرجه ایست که در نامه شما بدان اشاره شده محقق است که امور در طریق ناصوابی جریان دارد. منظور اصولاً نظر محفل نیست بلکه مقصود رفتار فرد فردی را است زیرا باید پرسید محبت بهائی کجاست؟ آن اتحاد و اتفاق که مقدم بر هر امریست کجاست؟ آن میل بفدا کردن احساسات و نظر شخصی برای بشمر رساندن محبت و وفای کجاست؟ چه چیز باعث میشود که بهائیان فکر کنند و قتی که قوانین روحانی را فدا میکنند قوانین اداری کاری از پیش خواهد برد؟ هیکل مبارک تأکید میفرمایند که منتهای کوشش را بنمائید تا احببای آن مدینه استعمال اصطلاحات غیر معقول مانند (رادیکال) یا (محافظه کار) یا (مترقی) یا (دشمنان امر) یا (اختناق امر تبلیغ) و غیره را کنار بگذارند. اگر آنها لحظه‌ای عمیقاً فکر میکردند که برای چه مقصد و منظوری حضرت باب و شهدای امر جان خود را فدا کردند و حضرت بهاء الله و حضرت مولی‌الوری اینهمه مشقات را متحمل گردیدند هرگز حاضر نمیشدند و قتی که از یکدیگر صحبت میکنند چنین توصیفات و اتهاماتی از لبهایشان خارج شود.

تا زمانی که یاران در بینشان مجادله با شما هدايتشان فاقد برکت خواهد بود زیرا اطاعت از او مر خداوند نمیکند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"میتوان گفت دو نوع بهائی در امر وجود دارد یکی آنهائیکه دینشان بهائی است و دیگر کسانیکه بخاطر امر زندگی میکنند. احتیاج بذکر نیست که اگر شخصی بتواند در سلک دسته اخیر قرار گیرد و یا اگر فردی بتواند در صف مقدم باسلان و شهداء و مخلصین واقع شود در نزد خدا احسن و اولی است."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۵۰ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از اعیان مرقوم گردیده است و در شماره ۲۴۱ اخبار امری آمریکا مورخ مارس ۱۹۵۰ صفحه ۲ منتشر شده است)

"مقام روحانی ما باید بدرجهای برسد که خدا را بر همه چیز مقدم بداریم و تعلقات شدید انسانی موجب دوری ما از خدا نگردد. ما پیوسته مردمی را می بینیم که یا بعلت شدت نفرت یا تعلق بیحد و حصریکه نسبت بشخص دیگر دارند یا اصول را فدا میکنند و یا خود را از سبیل الهی محروم مینمایند ما باید خدا را دوست بداریم و در این مقام است که محبت نسبت بعموم بشر امکان پذیر است. ما نمیتوانیم هریک از ابناء بشر را بخاطر خود او دوست بداریم بلکه احساس ما نسبت به بشریت باید بر اساس عشقی باشد که به اب آسمانی که خالق و آفریننده بشر است، داریم."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۴ اکتبر ۱۹۵۰ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردید)

"هیکل مبارک تأکید میفرمایند که آنچه در قوه دارید برای توسعه محبت و اتحاد در بین اعضاء آن جامعه بکار برید زیرا بقرار معلوم باین موضوع احتیاج مبرم دارند.

"اغلب جوامع جوان بخاطر اشتیاق خود با اداره امر از ملاحظه این واقعیت باز میمانند که مناسبات روحانی بمراتب مهمتر و اساسی تر از قوانین و قواعدیست که راهنمای امور عادی جامعه می باشد."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۴ اکتبر ۱۹۵۰ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعضاء مرقوم گردیده است)

"احتیاج مبرمی که همه جا در داخل جامعه امر بنظر میرسد اینست که باید یاران را بلزوم محبت فیما بین متوجه سازیم ظاهراً تمایلی وجود دارد که وظایف و مسؤلیتهای اداری امری و رفتار تشکیلات را با مناسبات بین افراد مخلوط و بر آن منطبق سازند و حال آنکه این امر صحیح نیست زیرا محفل مرحله مساوت بیت العدل است که امور جامعه را بموجب تعالیم الهی اداره مینماید و لکن افراد در روابط خود باید نسبت بیکدیگر بمحبت و وداد و عفو و اغماض سلوک نمایند. هرگاه یاران باین طریق رفتار نمایند روش صحیح و معقولی

خواهند داشت ولی آنها میخواهند در روابط فردی خود مانند یک مؤسسه اداری رفتار کنند و حال آنکه انتظار دارند رفتار محفل و مؤسسات با آنها مانند سلوک فرد با فرد باشد.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۵ اکتبر ۱۹۵۰ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از احباء مرقوم گردیده است)

"هرگاه انتقاد شدید و استعمال کلمات درشت در بین افراد جامعه بهائی یک نقطه بروز کند چاره‌ای جز این نیست که گذشته را فراموش کنند و کلیه اشخاص وارد در قضیه را متقاعد سازند که صفحه جدیدی در مناسبات خود بکشایند و برای خاطر خدا و امر الهی از ذکر مطالبی که منجر بعدم تفاهم و نفاق میگردد خودداری نمایند. هر قدر یاران بیشتر وارد جر و بحث شوند و طرفین بیشتر در نظریه خویش پافشاری نمایند بطور کلی وضع وخیمتر خواهد شد.

"وقتیکه ما موقعیت کنونی دنیا را مشاهده میکنیم بطور حتم باید این اختلاف ناچیز داخلی را فراموش کرده و متفقاً بنجات بشریت بشتابیم. شما باید با احباء تأکید کنید که این نکته را در نظر بگیرند و با جهدی موفور از شما پشتیبانی کنند تا هرگونه فکرا انتقاد و ذکر کلمات درشت ریشه کن گردد، باشد که روح نبأض الهی در سراسر جامعه بسریان آید و در عشق باو و خدمت باستان مقدسش جامعه آن مدینه را متحد نماید."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۵۱ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از احباء مرقوم گردیده است)

"حضرت ولی امرالله اطمینان دارند که تبرع از طرف دوست شما که برای مدت کوتاهی فعالیت امیری نداشته وسیله برای تغییر حال او خواهد بود که مجدداً بخدمت بپردازد. هیچ امری با اندازه خدمت با مرالله موفقیت در بر ندارد. خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است در اینصورت وقتی شخص فعال باشد روح القدس او را تأیید میکند و در صورت عدم فعالیت روح القدس از شمول تأیید بازمانده و شخص از اشعه شفا دهنده و روح بخش آن محروم میماند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲ که حسب الامر حضرت ولی امرالله بیکی از احباء مرقوم گردیده است)

"حضرت ولی امرالله عقیده دارند که روش شما در قبال عمل نادرست آنان که قبول حق العمل از همکاران دکترودا روساز بوده بسیار قابل تمجید است. هر قدر احباء صحیح العمل و شریف باشند بیشتر توجه عامه را با اصول متین و قدرت روحانی دیانتی که بدان مؤمن هستند جلب مینمایند."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۵۳ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از احباء مرقوم گردیده است)

"قیام و کوشش در خدمت امر هر قدر دشوار و موجب زحمت باشد افتخار آمیز است در درجه اول متوجه یکایک افراد احبّاست که در هر حال سرنوشت تمام جامعه با آنها بستگی دارد."

فرد بهائی بمنزله تا روپودجا معا است که کیفیت و نفاست یافت آن بسته باوست او در حکم یکی از حلقه های بیشمار زنجیر محکمی است که اکنون کره ارض را احاطه نموده است او بمثابه سنگ زیربنای ساختمان است که ثقل بنا و ثبات نظم اداری را که اکنون در هر قسمتی از دنیا استقرار یافته است تحمل و تضمین میکند. بدون حمایت قلبی و مستمر و مداوم فرد بهائی هر تصمیمی که بوسیله محفل ملی یعنی هیئتی که بعنوان نماینده ملی آن جامعه انتخاب شده است اتخاذ شود محکوم بشکست خواهد بود. اگر چنین حمایتی از جانب افراد و تشکیلات جامعه دریغ شود حتی مرکز جهانی امر نیز فلج خواهد شد و نفس طراح نقشه ملکوتی نیز اگر چنانچه فاقد وسائل مناسب جهت اجرای آن طرح باشد از نیل بمقصد خویش باز میماند و تأییدات متتابعه حضرت بهاء الله مؤسس دیانت بهائی درباره هر یک از افرادیکه در سبیل خدمتش قیام ننمایند و سهم خویش را ایفا نکنند سلب خواهد شد.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴ که حسب الامر حضرت ولی امر الله به محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا مرقوم گردیده و در کتاب "حصن امرالله" صفحه ۱۳۵-۱۳۱ منتشر شده است)

"وقتیکه فردی با مر بهائی ایمان میآورد عملاً حاصل کار اینست که بذر معنوی در قلب او شروع بروشیدن مینماید و این بذر بایستی که بفیوضات روح القدس آبیاری گردد. وصول این مواهب معنوی نیز

از طریق دعا و تفکر و شناسائی امر و آیات الهی و خدمت باستان مقدّس حاصل میشود حقیقت مطلب اینست که خدمت در امر شبیه به خیشی است که زمین را شخم میکند تا برای بذرافشانی آماده گردد. لذا ضروری است که زمین را شخم زنند تا قوّت یابد و موجب رشد سریع دانه گردد. عیناً بهمین طریق نیز تکامل روحانی از راه شخم اراضی قلوب حاصل میگردد. پس این انعکاس دائمی روح القدس است که سبب نمو و ترقی روح انسانی میگردد و پیمودن مراحل ترقی را تسریع مینماید.

"مسلماً در حیات روحانی مراحل اندوهها روپرمشقت و حتی امتحانات شدیدی پیش می آید. در این قبیل موارد شخص اگر ثابتاً راسخاً بسوی مظهر الهی رو آورد و تعالیم ملکوتی او را دقیقاً مطالعه و مورد نظر قرار دهد از برکات روح القدس بهره ور گشته و پی خواهد برد که در حقیقت این امتحانات و مشقات مواهب الهیه بمنظور آمادگی نمو و شکفتن او بوده است.

"در این صورت شما بمشکلاتی که در سبیل خدمت به آن دچار میشوید بصورت مشکلاتیکه فی الحقیقه وسیله ترقی و تعالی روح شماست ناظر باشید با این فکر متوجه خواهید شد که بر بسیاری از مسائلی که سبب ناراحتی شما بوده فائق گشته اید و تعجب خواهید کرد از اینکه چرا از ابتدا آنها را برای خود ناراحتی دانسته اید. یک فرد بهائی بر طبق موازینی که حضرت بهاء الله تعیین فرموده اند باید قلباً و روحاً متوجه خدمت بامر باشد

هرگاه که این عمل انجام شود جنود ملا اعلی آن فرد را تائید خواهد کرد و کلیه مصائب و امتحانات مستدرجاً مرتفع خواهد گشت.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۶ اکتبر ۱۹۵۴ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده

است) "راه سخت و ناهموار است و امتحانات شدید ولی همانطور که اظهار داشته‌اید اگر یاران بیاموزند که بر طبق تعالیم حضرت بهاء‌الله زندگی کنند متوجه خواهند شد که حقیقتاً قوای غیبیه شامل حال آنها گشته و همواره حمایت و اعانت‌آلهی در دسترس است و موانع مرتفع و در خاتمه موفقیت حتمی و قطعی است."

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۵۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"هر فرد باید خود بستنهایی میزان قدرت خود را در انجام کار بسنجد و بوجدان خود رجوع نموده با دعا و مناجات حمایت‌آلهی را جلب نماید و مردانه بمبارزه با سستی و رخوت طبیعی که باعث نقصان تلاش او در قیام بخدمت است برخیزد و بدون تردید با عزمی راسخ پهرمانانه تعلقات پیش پا افتاده و بیش از حد اعتدال را که مانع پیشرفت او هستند دور بریزد و خود را از هرگونه فکری که ممکنست سدّ راه او شود فارغ سازد. این قیام باید با اطاعت محض از شارع امر آلهی و تبعیت از مثل اعلاش توأم بوده در برخورد با مردان و زنان از وضع و شریف جہد نماید تا با خصوصیات ممتازه بهائی فکرأ و عملأ و

قولاً در قلوب ایشان اثر گذارده و با تدبیر و محبت و دعا و استقامت ایشان را بآئینی که خود بآن تعلق دارد جلب نماید.

(ترجمه قسمتی از توفیق حضرت ولی امرالله مورخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۶ یافتخار محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا مرقوم گردیده و در کتاب "حصن امرالله" صفحه ۱۴۸ منتشر شده است)

"حضرت ولی امرالله از اطلاع بر عدم هم‌آهنگی بین یاران آن سامان بسیار متأثر شدند و عقیده دارند که تنها راه عاقلانه که عموم یاران باید بدان عمل نمایند آنستکه خود را وقف تبلیغ امر الهی نموده و با محفل ملی خویش همکاری کنند.

"غالباً این امتحانات و افتتانات که در حال حاضر مبتلاً به عموم جوامع بهائی بوده و یاران معرض آن قرار میگیرند بنظر شدید است ولی در مراجعه به گذشته ما متوجه میشویم که این امتحانات بعلت قصور ناشی از ضعف طبیعت بشری بر اثر سوء تفاهمها و آلام متزایده بوده که هر یک از جوامع بهائی باید با این تجربه‌ها مواجه شوند.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از اعیان مرقوم گردیده است)

"هیکل مبارک بسیار مسرورند که می بینند شما یکی از نویدبخش‌ترین تعالیم حضرت عبدالبهاء را جامه عمل پوشانیده‌اید که میفرمایند ما بایستی سعی کنیم هر مشکلی را وسیله‌ای بسوی پیشرفت بدانیم. در طی زندگی

گذشته شما شجاعانه بر موانع فائق گشته‌اید و بعید مینمایید که در این حادثه دچار نومیدی شده و یا شکست بخورید زیرا شما تصمیم دارید که این حادثه را وسیله تزکیه و تطهیر نفوس خود دانسته و شخصیت روحانی خود را ارتقاء دهید و قدرت و شایستگی آنها را یابید که در آینده اعضای مفیدتری برای جامعه آتی خود باشید و برآستی این چیز است که مقبول نظر الهی است.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۶ مارس ۱۹۵۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به احیائی که در زندان دولتی فارم کیتالیا در یوگاندا محبوس بوده اند مرقوم گردیده است)

"احباء باید نظر بشرایط کنونی دنیا بعنوان

پیروان فداکار حضرت بهاءالله در نهایت شجاعت و استقامت قیام نموده و از احکام مبارکه تبعیت نمایند و در تلاش آن باشند که نظم جهانی حضرتش را بنا نهند. از طریق همسازی با محیط اطراف هرگز قادر با استقرار امر و یا فتح قلوب دیگران با مرآلهی نخواهیم شد. برای تحقق بخشیدن باین موضوع غالباً مقداری فداکاری فردی لازم است و باید بدانیم که وقتی عمل صحیحی انجام میدهیم خدا قدرت عنایت میفرماید که آن عمل را بشمر برسانیم و باین طریق سبب جلب برکات الهیه میشویم و در چنین احوالی است که متوجه میشویم بلا فی الحقیقه عین عطا است"

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۷ مه ۱۹۵۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی‌بهاثیان

استرالیا مرقوم گردیده است و در شماره ۳۳۵ اخبار امری آمریکا مورخ ژانویه ۱۹۵۹ صفحه ۲ منتشر شده است)

"برای یاران تثبیت باین بهانه که چون مبلغین برگزیده و احبای نمونه دیارشان قیام نموده و به ندای هجرت لبیک گفته اند کفایت است صحیح نیست چه کسه 'مبلغ برگزیده' و مؤمن نمونه نهایتاً از یک مؤمن عادی که خود را وقف خدمت امر نماید و در تزئید معلومات و درک مطالب امری همت گمارد و حضرت بهاء الله را محلل اتکال خود قرار دهد و آنچه در قوه داشته صرف قیام بخدمت امر نماید برتر و والاتر نبوده بلکه در شئون روحانی مساوی میباشند این بابی است که مطمئناً و بدون تردید بروی هریک از پیروان امر که محکم آنرا بکوبند مفتوح خواهد شد و هر زمان که قدرت اراده و شوق بحد کافی باشد وسائل آماده و راه باز است خواه جهت اجرای خدمت بیشتر در محل و خواه برای عزیمت بیکی از شهرها شیکه جزو اهداف جدید ایالات متحده است و خواه در زمینۀ مهاجرت خارج ..."

"نه فقط محفل شما باید امر تشویق و هدایت لازم را بر عهده داشته و یاران را در قیام بخدمت و انجام سهمی که بر عهده دارند ترغیب نماید بلکه محافل محلیه نیز باید همت کنند و یاران را در قیام و نیل به هدف کمک نمایند در این هنگام هر فرد بهائی باید در قبال امر احساس مسوولیت شخصی داشته و آنرا از بزرگترین افتخارات خود بداند و از خود سئوال کند که در طول

چند سال آتیه که اکنون آغاز میشود چه میتواند انجام دهد تا تحقق اهداف جهاد جهانی تسریع شود.

احباء بمنزله خمیر مایهٔ امر الهی هستند کسه باید سبب اصلی حیات روحانی افراد ملتشان گردند.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷ که حسب الامر حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا مرقوم گردیده است)

Excerpts from the Writings of
the Guardian on
THE BAHÁ'Í LIFE

Compiled by The Universal House of Justice
(Persian Text)

Second Printing 1987

حیات بھائی

از انتشارات مجلہ امور حبسی ایرانی

دارالانشاء، محفل بروہا، قومی بیان ایلات متحدہ

دہلیت، امینوی

۱۹۸۳

چاپ دوم ۱۹۸۷

با استفاده از متن چاپ سوم
"نمونه حیات بهائیی"

از انتشارات موسسه مطبوعات امری
محل روحانی ملی بهائیان ایران